

Criteria of Privacy in Imami Jurisprudence and Iranian Constitutional Law: Adaptation to Private Car

‘Alī Almāsī^{*}

Marḡīyih Muḡammadiyān Shīrmard^{**}

(Received: 08/31/2020; Accepted: 09/27/2020)

Abstract

The term *Harīm* is applied to a place that must be protected and defended and no one has the right to invade it. On the other hand, a private car is also a property. Therefore, the owner of a personal car or someone authorized by him is allowed to take possession of his property. Most jurists allow only practical possession and consider some characteristics in the property or owner or the type of possession as an obstacle to the possession of property. Furthermore, since privacy is a part of a person's life that is determined and respected by law or custom, the same law can and is permitted to limit it if one's privacy disturbs another's security and comfort. Thus, although a personal car has the characteristics of property and privacy applies to it, not all the rights and freedoms of individuals are absolute and unconditional, and what is enshrined in law or custom that affirms privacy also restricts it.

Keywords: Privacy, Personal Car, Practical Possession.

* Assistant Professor, Department of Islamic Studies, Alborz University of Medical Sciences, Karaj, Iran (Corresponding Author), mii@abzums.ac.ir.

** PhD Student in Women's Studies, University of Religions and Denominations, Qom, Iran mohammadeianm@gmail.com.

ملاک‌های حریم خصوصی در فقه امامیه و حقوق اساسی ایران: تطبیق با خودروی شخصی

علی الماسی*

مرضیه محمدیان شیرمرد**

[تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۶/۱۰ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۷/۰۶]

چکیده

واژه «حریم» به مکانی اطلاق می‌شود که حمایت و دفاع از آن واجب است و کسی حق تعرض به آن را ندارد. از سوی دیگر، خودروی شخصی نیز حکم ملک را دارد. بنابراین، مالک خودروی شخصی یا کسی که اجازه مالک را دارد، مجاز به تصرف در مال خود است. غالب فقها، فقط تصرف کاربردی را مجاز می‌دانند و برخی خصوصیات در مال یا مالک یا نوع تصرف را مانع تصرف مال برمی‌شمرند. همچنین، با توجه به اینکه حریم خصوصی حدی از زندگی شخص است که قانون یا عرف آن را تعیین می‌کند و محترم می‌شمرد، همین قانون می‌تواند و مجاز است در صورتی که حریم خصوصی کسی مخل امنیت و آسایش دیگری شود، آن را محدود کند. بنابراین، اگرچه خودروی شخصی خصوصیات ملک را دارد و حریم خصوصی بر آن صدق می‌کند، اما تمام حقوق و آزادی‌های اشخاص، مطلق و بدون قید و شرط نیست و آنچه از قانون یا عرف که حریم خصوصی را تصدیق می‌کند، همان نیز آن را محدود و مقید می‌کند.

کلیدواژه‌ها: حریم خصوصی، خودروی شخصی، تصرف کاربردی.

مقدمه

از روزی که بشر زندگی بدوی در غارها را رها کرد و به زندگی تجمعی و هدفمند روی آورد، مالکیت برایش اهمیت بسزا یافت. از این پس افراد به‌مرور آموختند که هم حقی به عنوان مالکیت بر آنچه متعلق به خود می‌دانند قائل باشند و هم به مالکیت داشته‌های دیگران احترام بگذارند. با پیچیده‌شدن زندگی در جوامع، این قوانین مالکیتی نیز از حالت ساده درآمد و به سمت پیچیدگی سوق یافت. تا آنجا که برای محترم‌شمردن حق مالکیت هم، ناگزیر به وضع قوانین و مقررات روی آوردند. امروزه مالکیت یکی از مهم‌ترین حقوق افراد دانسته می‌شود که در مهم‌ترین قوانین هر کشوری همچون قانون اساسی و مدنی بدان اشاره شده و احترام به این حق از وظایف هر شهروند و هر دولتی است؛ چراکه در قبال هر حقی، تکلیف یا تکالیفی برای باقی افراد که با این حق مواجه می‌شوند، ایجاد می‌شود.

حریم خصوصی را می‌توان از بنیادی‌ترین حق‌های بشری تلقی کرد که با شخصیت انسان ارتباط مستقیم و تنگاتنگ دارد. احترام به این حق بشری در برخی اسناد بین‌المللی و داخلی محل توجه قرار گرفته است. از جمله می‌توان به اعلامیه جهانی حقوق بشر در سال ۱۹۴۸، اعلامیه حقوق بشر اسلامی (قاهره، ۱۹۹۰) و همچنین کنوانسیون اروپایی حقوق بشر در سال ۱۹۶۸ اشاره کرد. برخی از حقوق‌دانان معتقدند اصول ۲۲، ۲۳ و ۲۵ قانون اساسی کشورمان هم غیرمستقیم به این حق اشاره دارد (فتحی و شاه‌مرادی، ۱۳۹۶: ۲۳۱).

یکی از مسائل پیچیده‌ای که امروزه راجع به مالکیت و حریم خصوصی در ایران مطرح شده، بحث مالکیت خودروی شخصی و لوازم و موانع حریم خصوصی بودن خودروی شخصی است. در این نوشتار می‌کوشیم با بررسی ملاک‌های حریم خصوصی به این پرسش پاسخ دهیم که: آیا خودروی شخصی نیز جزء حریم خصوصی محسوب می‌شود یا حریم عمومی؟ و اگر به فرض ثابت شد که حریم خصوصی است، آیا امکان اما و اگر و بحث حدود و ثغور را می‌توان در حریم آن مطرح کرد یا خیر؟

۱. مفهوم‌شناسی اصطلاح «حریم خصوصی»

برای بررسی این موضوع که آیا خودروی شخصی را می‌توان در زمره فضاهایی شمرد که حریم خصوصی در آن جریان دارد احتیاج به تعاریفی از «حق» و «حریم خصوصی» در حقوق و فقه است. طبق تعریف، «حق» به معنای سلطه، توانایی و امتیازی است که قانون به اشخاص داده تا بتوانند به زندگی خود ادامه دهند. این قانون می‌تواند منتج شده از قوانین وحیانی یا انسانی باشد (کریمی‌نیا، ۱۳۸۲: ۸۶).

۱.۱. مفهوم واژه «حریم»

با وجود استفاده‌های مکرر امروزی از واژه «حریم خصوصی» در ادبیات حقوقی، سیاسی و اجتماعی، هنوز تعریف دقیقی که اکثریت پذیرفته باشند وجود ندارد. عوامل بسیاری در تعریف «حریم خصوصی» تأثیرگذار بوده و هست. مفهوم «حریم خصوصی» در هر کشوری با فرهنگ، اجتماع و اقتصاد و به‌ویژه نوع دموکراسی حاکم بر آن کشور در ارتباط است (بخشایشی و حیدری منور، ۱۳۹۶: ۲۰۹). گذر زمان و مبتلابه‌بودن مردم به حوزه‌های جدید نیز در شکل‌دهی مفهوم «حریم خصوصی» تأثیرگذار است (مشهدی و محمدلو، ۱۳۹۵: ۱۲۶).

واژه «حریم» در لغت صفت مشببه از ریشه «حرم» به معنای بازداشتن و در فقه به معنای چیزی است که نزدیک‌شدن به آن برای غیرصاحبش ممنوع است و معانی گوناگون «حریم» در بردارنده مفاهیم ممنوعیت و محدودیت است (صدوق، ۱۴۰۴: ۱۰۱). طبق تعریف فرهنگ فارسی معین «حریم» به مکانی اطلاق می‌شود که حمایت و دفاع از آن واجب باشد. به عبارتی، کسی حق تعرض به آن را نداشته باشد (معین، ۱۳۸۶: ۹۷۳). در واقع، می‌توان گفت حریم محدوده معقولی است که فرد انتظار دارد تعرضی به آن صورت نگیرد (انصاری، ۱۳۸۳: ۸۴۲).

به طور کلی، می‌توان گفت حریم خصوصی هر فرد جایی است که دیگران، اعم از افراد حقیقی و حقوقی، حق تعرض به آن را ندارند و برای این تعرض نکردن هیچ قیدی نیست و هیچ عملی مجاز نشده است. همچنین، باید توجه داشت که این حق، سلطه و امتیازی است که قانون به اشخاص اعطا کرده است.

۲.۱. مفهوم «حریم خصوصی» از نگاه حقوق

ساموئل وارن و لوئیس برندیس «حریم خصوصی» را حق افراد بر تنها بودن تعریف کرده‌اند و معتقدند «حریم خصوصی»، اصل و چارچوبی برای محافظت از نوشته‌ها، آثار معنوی، افکار و احساسات افراد است تا رفتار و گفتار افراد طبق قانون از تعرض مصون باشد (مشهدی، ۱۳۹۵: ۱۲۷). این تعریف بیشتر معطوف به نوشته‌ها، افکار و احساسات افراد است و تعرض به این افعال و کنش‌ها را برجسته می‌کند.

همچنین، تعریف رابرت آلیس اسمیت از «حریم خصوصی» به تمایل و اراده فردی توجه دارد و معتقد است: «تمایل هر یک از اشخاص به داشتن فضای فیزیکی که بتوانند در آن از مداخله، مزاحمت، اضطراب و آشفتگی یا پاسخ‌گویی آزاد باشند و تلاش برای کنترل زمان و شیوه افشای اطلاعات شخصی درباره خود را می‌توان محدوده حریم شخصی دانست» (همان).

پرنه در تعریف خود به علم و آگاهی از قانون توجه کرده و معتقد است: «حریم خصوصی در جایی است که کسی نسبت به حرمت نقض آن، علم و آگاهی داشته باشد. به عبارت دیگر، داشتن علم و آگاهی به غیرقانونی بودن تصرفات اشخاص درباره حریم خصوصی دیگران، شرط متجاوزبودن به حساب می‌آید» (همان: ۱۲۸).

راث گیوسون برای مفهوم و میزان «حریم خصوصی» سه بُعد قائل است: از نظر وی، بُعد اول، محرمانه‌بودن است: به معنای داشتن مجموعه‌ای از اطلاعات درباره کسی. زمانی که فرد توانایی مدیریت اطلاعات مربوط به خود را در عرصه عمومی نداشته باشد موجب خدشه به محرمانگی اطلاعات شخصی می‌شود و نقض حریم خصوصی اتفاق می‌افتد. بُعد دوم، خلوت و تنهایی، به معنای میزان دسترسی فیزیکی به شخص است. دستیابی آسان به شخص به صورت فیزیکی در حقیقت نشان می‌دهد که فرد حریم خصوصی، تنهایی و خلوت خود را از دست داده است. بُعد سوم گمنامی یا بی‌نامی است: میزان توجه به شخص. به نظر می‌رسد این بُعد بیشتر راجع به افراد مشهور و معروف صدق می‌کند و با مرکز توجه قرارگرفتن این اشخاص، فرد حریم خصوصی‌اش را از دست می‌دهد (همان: ۱۳۰). ابعاد سه‌گانه گیوسون، هم سوژه و هم ابژه را خطاب قرار می‌دهد و انتظار دارد که هم فرد در جهت محرمانه‌نگه‌داشتن اطلاعات خصوصی و شخصی‌اش بکوشد و هم دیگران به این حقوق شهروندان احترام بگذارند.

جوزف و اسچویتز تعریف دیگری دارند:

حق حریم خصوصی عبارت است از رهایی از دخالت‌های غیرمجاز و غیرمتعارف در فعالیت‌هایی که جامعه آنها را متعلق به حوزه خودمختاری شخص می‌داند و حوزه خودمختاری شخص، عبارت است از حوزه‌ای که انجام اعمال شخصی منحل به آزادی دیگران نیست؛ یعنی جایی که شخص در آن می‌تواند با دوری‌گزیدن از دیگران، مطابق امیال و توقعات خود به حیات خویش شکل بدهد (همان: ۱۳۲).

این تعریف، عرف را مشخص‌کننده حوزه خصوصی می‌داند و معتقد است اعمال شخصی فرد در حوزه خودمختاری نباید منحل آزادی دیگران باشد. اما جفری ریمن معنای گسترده‌تری از «حق خلوت» مطرح می‌کند: «حق خلوت مجموعه رفتارهایی است که به صورت پرهیز از تفتیش، بازرسی و جست‌وجو درباره مسائلی که به هیچ وجه به کسی مربوط نیست، نمود پیدا می‌کند» (همان). به طور کلی، «حریم خصوصی» مفهوم سیالی است که معانی مختلفی را شامل می‌شود. بنابراین، تعریف جامع و فراگیری از آن مطرح نشده و این خود حاکی از آن است که حریم خصوصی با توجه به اوضاع و احوال اجتماعی و سیاسی هر کشوری و هر زمانی ممکن است متفاوت باشد؛ اما آنچه در میان اکثر این تعاریف به نوعی مشترک به نظر می‌رسد، توجه به حق خلوت و پنهان‌بودن این حریم از منظر و تجسس دیگران است. بنابراین، می‌توان حریم خصوصی را این‌گونه تعریف کرد: مکان یا موقعیتی که فرد در جهت محرمانه‌بودنش می‌کوشد و دیگران حق تعرض به این فضای محرمانگی را ندارند.

۳.۱. مفهوم «حریم خصوصی» در حوزه حقوق عمومی

برخی حریم خصوصی در حوزه حقوق عمومی را با توجه به دو ضابطه نوعی و عرفی یا شخصی تعریف می‌کنند:

قلمروی از زندگی هر شخص است که آن شخص به طور نوعی و عرفی انتظار دارد دیگران بدون رضایت وی به اطلاعات راجع به آن قلمرو دسترسی نداشته باشند یا به آن قلمرو وارد نشوند یا به آن قلمرو نگاه یا نظارت نکنند یا به هر صورت دیگری وی را در آن قلمرو مورد تعرض قرار ندهند (انصاری، ۱۳۸۶: ۱۴).

اما عده‌ای نیز معتقدند حریم خصوصی را قانون و عرف تعیین می‌کند و نقض این حریم موجب جریحه‌دارشدن احساسات فرد است:

حریم خصوصی محدوده‌ای از زندگی شخص است که به وسیله قانون یا عرف تعیین شده و ارتباطی با عموم ندارد؛ به نحوی که دخالت دیگری در آن ممکن است باعث جریحه‌دارشدن احساسات شخص یا تحقیرشدن وی نزد دیگران به عنوان یک موجود انسانی شود (رحمدل، ۱۳۸۴: ۱۲۹-۱۳۰).

در این تعاریف به قانون و عرف، که از عناصر اصلی در تعیین حریم خصوصی است، توجه شده است. لذا طبق این تعاریف، قانون یا عرف تعیین‌کننده میزان و محدوده حریم خصوصی است و شخص نمی‌تواند جایی را که قانون آن را حریم خصوصی نمی‌داند، خصوصی تلقی کند و انتظار واردنشدن دیگران به آن را داشته باشد.

بنابراین، «حریم خصوصی» در حوزه حقوق عمومی، مکان یا موقعیتی است که فرد در جهت محرمانه‌بودنش می‌کوشد و داشتن این حق خلوت مخل آسایش حق دیگران نیست و آنان نیز حق تعرض و نقض این فضای محرمانگی را ندارند و قانون یا عرف این حق خلوت را به رسمیت می‌شناسد.

۲. ادله فقهی حریم خصوصی

اصطلاح «حریم خصوصی» در فقه مستقیماً استفاده نشده، اما مدافعان حریم خصوصی با استناد به آیات و روایاتی درباره حرمت افشای سر، حرمت سخن‌چینی، حرمت تصرف در مال غیر و حرمت استراق سمع و تجسس معتقدند مسئله حریم خصوصی در اسلام نیز مطرح بوده است. یکی از آیاتی که به آن استناد می‌شود آیه ۱۹ سوره نور است. در این آیه خداوند از اشاعه فحشا نهی می‌کند.^۱ همچنین، در همین سوره در آیه ۲۷ و ۲۸ درباره ممنوعیت ورود به منزل دیگران بدون اجازه صاحب‌خانه سخن می‌گوید و به مسلمانان توصیه می‌کند که تا وقتی صاحب‌خانه اجازه ورود صادر نکرده، داخل خانه‌های آنان نشوند^۲ و از مؤمنان می‌خواهد نگاهشان را کنترل کنند. در آیه ۱۱ سوره حجرات می‌فرماید: «ای اهل ایمان! از بسیار پندارها در حق یکدیگر اجتناب کنید که برخی ظن و پندارها معصیت است و نیز هرگز (از حال درونی هم) تجسس نکنید و غیبت یکدیگر را نکنید».^۳ این آیه درباره حرمت تجسس است. واژه «تجسس» به

تفحص و کنکاش در اموری گفته می‌شود که پنهان و دور از نظر است. خواه این تفحص به نیت خیر باشد یا شر، و خواه این تفحص افعال و صفات خیر افراد را شامل شود یا امور شر و بد را (طبسی، ۱۳۹۳: ۲۱).

از جمله ادله روایی که موافقان حریم خصوصی به آن استناد می‌کنند، روایتی از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله است که از نظر به داخل خانه دیگران به شدت نهی می‌کند. ایشان می‌فرمایند:

کسی که به خانه همسایه خود سرک بکشد و عورت مردی یا مو و یا عضوی از بدن زنی را ببیند، بر خداوند سزاوار است که او را به جهنم ببرد و با منافقینی که در دنیا عیوب مردم را جست‌وجو می‌کردند محشور نماید؛ و از دنیا بیرون نرود تا اینکه خداوند او را رسوا نماید^۴ (شعیری، ۱۳۶۳: ۹۳/۱).

واژه «عورت» به معنای هر آن چیزی است که افزایش باعث شرمندگی می‌شود (ابن‌منظور، ۱۴۱۴: ۶۱۷). با توجه به همین حدیث، موسوی خمینی می‌گوید:

کسی که بر عورات دیگران سر بکشد تا چیزهایی را که برای او حرام است ببیند. به عنوان مثال از پشت‌بام به داخل خانه دیگران نگاه کند، آنها می‌توانند، بلکه واجب است در مقام دفاع برآمده از کار او جلوگیری کنند؛ اگر دست برداشت دفاع با کتک و مانند آن جایز است. چنانچه باز هم ترک نکرد، می‌توان سنگ و چیزهایی که کشنده است به طرف او پرتاب کرد و اگر در این صورت مجروح یا مقتول شود، خونش هدر است (موسوی خمینی، ۱۳۸۴: ۴۹۱).

همچنین، در منع استراق سمع و تجسس سمعی ابن‌عباس از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نقل می‌کند که هر کس به سخنان دیگران گوش بسپارد در حالی که آنان رضایت ندارند، خدا در روز قیامت او را عذاب می‌کند و در گوشش سرب داغ می‌ریزد^۵ (صدوق، ۱۴۰۳: ۱۰۹/۱). این آیات و روایات نشان می‌دهد که اسلام بر رعایت حدود و حریم خصوصی تأکید کرده است، چنان‌که موسوی خمینی دفاع از این حریم را واجب بر شمرده و در صورت رعایت‌نشدن این حدود فرد خاطی را مهدورالدم می‌داند.

۳. فتاویٰ برخی فقهای معاصر راجع به حریم خصوصی

علمای عصر حاضر نیز در جواب استفتای فقهی درباره حریم خصوصی بودن یا نبودن خودروی شخصی پاسخ‌های متفاوتی داده‌اند. مکارم شیرازی و نوری همدانی فتاویٰ خاصی دارند. مکارم شیرازی معتقد است:

اگر در خودرو قفل باشد و کسی شیشه آن را بشکند و چیزی از درون آن سرقت کند، حکم سرقت از «حرز» دارد و احکام سارقان از منازل مسکونی بر آن جاری می‌شود؛ ولی اگر کسی در خودرو بنشیند و در آن را ببندد و در داخل آن بی‌حجاب یا نیمه‌عریان باشد و خودرو نیز دارای شیشه‌های شفاف باشد و مثلاً مشغول استعمال مواد مخدر و یا شرب خمر گردد، آن هم در ملاً عام، به یقین حریم خصوصی محسوب نمی‌شود. درست مانند کسی است که یک خانه شیشه‌ای در سر چهارراه بسازد و در آن مشغول انواع کارهای خلاف شود و بگوید اینجا حریم خصوصی است و کسی مزاحم من نگردد. اهل عرف آن را حریم خصوصی نمی‌شمارند و او را از مجازات معاف نمی‌کنند. این دو مسئله شرعاً کاملاً با هم متفاوت است (مکارم شیرازی، ۱۳۹۶: ۱۱).

وی در این استفتاء ضمن تصریح به حریم خصوصی بودن خودروی شخصی، بر لزوم رعایت جهات شرعی در پوشش شرعی در داخل خودرو تأکید می‌کند. همچنین، نظر وی در مسئله حریم خصوصی خودروی شخصی به نظر عرفی ارجاع داده شده است. نوری همدانی هم در دیدار با فرمانده نیروی انتظامی قم با بیان اینکه حریم خصوصی به محلی اطلاق می‌شود که بیگانگان نتوانند آن را ببینند می‌گوید: «ماشین را نمی‌توان حریم خصوصی نامید و در آن کشف حجاب کرد. زیرا نامحرمان به آن اشراف دارند» (دیدار با فرمانده نیروی انتظامی قم ۳۰ خرداد ۹۸، در: <https://al-mirazimi.ir/fa/>).

برخی دیگر از مراجع تقلید، اگرچه صریحاً به بحث حریم خصوصی ورود پیدا نکرده‌اند اما در پاسخ به استفتاهایی که از آنان شده، می‌توان رگه‌هایی از ارجاع به مسئله حریم خصوصی را یافت. در این زمینه سید علی خامنه‌ای در پاسخ به دانشجویی که درباره گزارش اعمال خلاف دانشجویان به مسئولان فرهنگی برای جلوگیری از ارتکاب مجدد آن پرسیده است، این کار را به امور علنی محدود می‌کند و می‌نویسد: «اگر گزارش‌ها مربوط به

امور علنی باشد و عنوان تجسس و غیبت بر آنها صدق نکند، اشکال ندارد و بلکه در صورتی که جزء مقدمات نهی از منکر باشد، واجب است» (خامنه‌ای، ۱۳۸۹: ۳۰۶).

از سوی دیگر، محمدتقی بهجت در پاسخ به استفتای تجسس درباره محرم بودن یا نبودن دختران و پسرانی که با هم در اماکن عمومی دیده می‌شوند معتقد است در اوضاع و احوال متعارف جایز نیست (بهجت، ۱۴۲۸: ۱۴۳). وی همچنین دلیل جلوگیری از تصرفات مالک را در زمان نارضایتی همسایه به قاعده لاضرر و ادله نفی عسر و حرج در احکام اسلامی ارجاع می‌دهد و معتقد است قاعده لاضرر فقط مختص به ضرر مالی نیست، بلکه شامل ضرر «حالی» نیز می‌شود و با استناد به همین قاعده فقهی می‌توان از تصرفات مالک در زمان اشراف به ملک همسایه، که موجب ضرر حالی او است، ممانعت کرد (همو، ۱۴۲۳: ۵۲۱).

اما حسین مظاهری ضمن تأیید ضمنی تصرف در زمان امر به معروف و نهی از منکر در رساله توضیح المسائل خود می‌نویسد: «اگر جلوگیری از معصیت توقّف داشته باشد بر اینکه دست معصیت کار را بگیرد یا او را از محلّ معصیت بیرون کند یا در وسیله‌ای که با آن معصیت می‌کند تصرف کند، جایز، بلکه واجب است» (مظاهری، ۱۳۹۲: ۲۳۹).

بدین ترتیب می‌بینیم که علما درباره حریم خصوصی بودن یا نبودن خودروی شخصی نظر متفق‌القولی ندارند؛ برخی حریم خصوصی بودن آن را تأیید کرده و حدود و ثغوری برای آن معین کرده‌اند، اما برخی دیگر نظر فقهی در این باره اتخاذ نکرده‌اند.

۴. اصول قانون اساسی مرتبط با حقوق خصوصی

برخی از اصول قانون اساسی به طور ضمنی به حق حریم خصوصی اشاره دارد. قانون‌گذار در اصل ۲۲ قانون اساسی تصریح می‌کند که: «حیثیت، جان، مال، حقوق، مسکن و شغل اشخاص از تعرض مصون است، مگر در مواردی که قانون تجویز کند»؛ و اصل ۲۳ قانون اساسی تفتیش عقاید را ممنوع می‌داند. بر اساس این اصل نمی‌توان به فردی به صرف داشتن عقیده‌ای تعرض، یا او را مؤاخذه کرد. اصل ۲۵ قانون اساسی نیز از اصول مرتبط با حق حریم خصوصی است. قانون‌گذار در این اصل می‌نویسد: «بازرسی و نرساندن نامه‌ها، ضبط و فاش کردن مکالمات تلفنی، افشای مخابرات تلگرافی و تلکس،

سانسور، عدم‌مخابره و نرساندن آنها، استراق‌سمع و هر گونه تجسس ممنوع است، مگر به حکم قانون».

اما فضای حاکم بر اصل ۴۰ قانون اساسی با اصول قبلی متفاوت است و قانون‌گذار در این اصل تعارض منافع را محور قرار داده است: «هیچ کس نمی‌تواند اعمال حق خویش را وسیله اضرار به غیر یا تجاوز به منافع عمومی قرار دهد».

این اصول از قانون اساسی نشان می‌دهد که حریم خصوصی در قانون اساسی کشور هم محترم شمرده شده، اما با این حال، اصل ۴۰ تأکید دارد که حق فردی یا گروهی نباید مخل حریم خصوصی دیگران یا منافع عمومی باشد.

۵. اصطلاح‌شناسی «تصرف» از منظر حقوق و فقه

برای بررسی تطبیق ملاک‌های حریم خصوصی بر خودروی شخصی نیاز به تعریف و بررسی واژه «تصرف» و ابعاد آن است، چراکه ابتدا باید ثابت شود که خودروی شخصی، ملک محسوب شده و تصرف در آن به هر صورت ممنوع است.

«تصرف» واژه‌ای عربی است و مفهوم آن در لغت‌نامه دهخدا به صورت دست در کاری زدن و دست در کاری کردن به کار رفته است (دهخدا، <http://www.vajehyab.com> / ذیل مدخل «تصرف»). در زبان عربی هم، «تصرف» به دگرگون‌شدن و چیزی را در استیلا و اقتدار خود داشتن معنا شده است (معلوف، ۱۳۷۵).

اما از منظر حقوقی، «تصرف» که از آن به «ید» نیز تعبیر می‌شود، سلطه و اقتدار مادی شخص به مالی، مستقیم یا غیرمستقیم، است؛ خواه مالک آن مال باشد و خواه با اجازه مالک در آن تصرف داشته باشد (امامی، ۱۳۸۶: ۵۱). همچنین، برای «تصرف» اقسامی را برمی‌شمرند: الف. تصرف مستقیم و تصرف غیرمستقیم؛ ب. تصرف سبب مالکیت و تصرف ناشی از مالکیت؛ ج. تصرف با حسن نیت و تصرف بدون حسن نیت؛ د. تصرف عدوانی و تصرف قانونی (ناصری، ۱۳۹۵: ۱۳۲).

فقها تصرف را به دو صورت معنا می‌کنند؛ ۱. هر نوع استفاده کاربردی؛ به این معنا که کار ارادی شخص که اثر شرعی دارد و سودی از آن به لحاظ شرعی عاید شخص می‌شود؛ ۲. هر نوع استعمال؛ این معنا عام‌تر است و شامل هر نوع استفاده، اعم از منفعت یا ضرر، می‌شود.

غالب فقها همچون مکارم شیرازی فقط تصرف کاربردی را مجاز می‌دانند. وی می‌گوید:

از قواعد مشهور فقهی قاعده سلطنت (سلطنت مالک بر ملک خویش) است و مفاد آن جواز و صحت هر نوع تصرف مالک در مال خود - به فروختن، بخشیدن و جز اینها - است. این اصل در پاره‌ای موارد به سبب وجود موانعی، یا کاربرد ندارد و یا کاربرد آن محدود است. منشأ و خاستگاه این موانع ممکن است یکی از جهات زیر باشد: وضع خاص مالک، خصوصیات مال مورد تصرف یا آثار ناروای تصرف (مکارم شیرازی، ۱۳۷۰: ۳۴/۲-۳۵).

۵. ۱. آثار و موانع تصرف از نظر فقیهان

در اصطلاح حقوقی، مال به دو قسم اموال منقول و غیرمنقول تقسیم می‌شود. اموال منقول شامل اموالی است که امکان نقل و انتقال آنها از محلی به محل دیگر وجود دارد، بدون اینکه به مال مد نظر یا محل استقرار آنها خللی برسد. مثل کتاب، لباس و ... اموال غیرمنقول نیز به اموالی گفته می‌شود که امکان جابه‌جایی آنها، به نحوی که در خود مال یا محل استقرارش خللی نرسد، از محلی به محل دیگر وجود ندارد (جعفری لنگرودی، ۱۳۷۳: ۶۸). طبق این تقسیم‌بندی از اموال، می‌توان گفت خودروی شخصی جزء اموال منقول محسوب می‌شود و در نتیجه خصوصیات و احکام مال نیز بر آن مترتب است.

تصرف هر مالکی در مال خود آثاری دارد. از جمله آثار فقهی تصرف قانونی و شرعی می‌توان به معتبر بودن گفته مالک در امور مرتبط با مال، مانند طهارت، نجاست، ثبوت نسب، اقرار، شهادت و سوگند، اشاره کرد (غروی تبریزی، ۱۴۱۸: ۲۶۶-۲۶۷).

از نظر حقوقی نیز، حق مالکیت شخص موجب ثبوت هر گونه تصرف و استیلائی مادی و حقوقی وی در ملک می‌شود. اما اموری نیز باعث اسقاط حق تصرف می‌شود. ممنوعیت و محدودیت در تصرف یا به علت صلاحیت‌نداشتن مالک یا خصوصیاتی در مال یا اثر زیانبار برای دیگران است. برخی خصوصیات در مال همچون مجاز نبودن اکتساب آن باعث سقوط حق تصرف می‌شود. در این باره می‌توان به آلات قمار و لهُو و لعب یا فقدان شرط آزاد بودن مال برای معامله اشاره کرد (نجفی جواهری، ۱۳۶۲: ۲۵/۲۲). گاهی نیز محدودیت و

ممنوعیت در تصرف ناشی از صلاحیت‌نداشتن مالک است. کودک، مجنون، سفیه و مفلس بودن مالک از مصادیق صلاحیت‌نداشتن مالک در تصرف مال خود محسوب می‌شود (همان: ۵۸/۲۶) و گاه به سبب آثار زیانبار ناشی از تصرف برای دیگران، با توجه به قاعده لاضرر و وجود احادیث در این خصوص، تصرف مالک منع شده است؛ مانند تصرفاتی که موجب اضرار به همسایگان مال یا ملک می‌شود (همان: ۵۰۵۲/۳۸).

گاهی تعارض حق یک فرد با افراد دیگر در جامعه اسلامی موجب رفع تصرف فرد در حق خود می‌شود. این را می‌توان در کلام پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله راجع به حق همسایه دید؛ ایشان ضمن تأکید بر حقوق همسایگان می‌فرمایند: «آیا می‌دانید حق همسایه چیست؟ ... نباید ساختمان خانه خود را از خانه همسایه چندان بلندتر سازد که مانع از وزش نسیم گردد»^۶ (فتال نیشابوری، ۱۳۶۶: ۳۸۸). همچنین، طبق سنت اسلامی، هیچ کس نمی‌تواند بدون اجازه و موافقت همسایه خود به خانه وی خروجی، اعم از پنجره یا در و حتی روزنه‌ای، باز کند. اما اگر فرد بدون توجه به حریم همسایه چنین کاری کرد، وی نیز می‌تواند با روشی جلوی دید همسایه مزاحم را مسدود کند (جمشیدی، ۱۳۹۶: ۸۱).

۵. ۲. مصادیق جواز به تصرف در مال غیر

با وجود منع تصرف اسلام در حریم دیگر افراد جامعه، گاهی اجازه تصرف یا تجسس داده شده است. به طور کلی در دو زمینه اجازه تجسس و تصرف در حریم افراد جامعه داده شده است: ۱. تجسس به علت ادای تکلیف شرعی؛ ۲. تجسس به علت انگیزه و غرض شرعی و عقلائی (بگدلی و علی‌اکبری بابوکانی، ۱۳۹۶: ۲۵)؛ ۳. تجسس از کسی که خود پوشاننده اسرار خود نیست.

طوسی در کتاب *الامالی*، ضمن تشریح اموری که تجسس در آنها از دید اسلام جایز است، می‌نویسد: «مجالس مشروط به امانت‌اند و سخنان و مطالب آنها نباید افشا شود، مگر سه مجلس؛ مجلسی که خون حرام در آن ریخته شود، مجلسی که در آن ناموس حرامی حلال شمرده شود و مجلسی که در آن مال حرامی حلال شمرده شود» (طوسی، ۱۳۸۸: ۵۳).

همچنین، انصاری مصادیق جواز غیبت را به هدف و انگیزه فرد غیبت‌کننده معطوف می‌کند و می‌گوید اگر غیبت به منظور اذیت و آزار مؤمن باشد، حرام است ولی اگر فرد از غیبت‌کردن انگیزه خیر داشته باشد مجاز است (انصاری، ۱۴۱۱: ۳۲۳/۱). وی روایت

ابن‌ابی‌یعفور از امام صادق (علیه‌السلام) را ذکر می‌کند که امام در پاسخ به پرسش ابن‌ابی‌یعفور درباره چگونگی شناخت فردی به عدالت می‌فرماید: «وی را با ظاهر نبودن عیوبی که منافی عدالت باشد، همچون عمل منافی عفت و پاکدامنی و خودداری در مقام و ... تشخیص دهید که فرد چنان خود را از زشتی‌ها محفوظ دارد که بر مسلمانان غیبت از او یا جست‌وجو از باطنش جایز نباشد» (صدوق، ۱۴۱۳: ۵۰/۴)؛ و در تشریح آن مکتوب می‌کند که تجسس زمانی حرام است که فرد ستر و پوشاننده عیوب خودش باشد؛ اما اگر فرد خود به فاش شدن عیوب و اسرارش بی‌اعتنا است، حرمت تجسس از بین می‌رود (انصاری، ۱۴۱۱: ۳۲۳/۱، به نقل از: خاکی، ۱۳۹۷). بنابراین، تجسس زمانی حرام است که خود فرد از آشکارکردن آن جلوگیری کند و با توجه به همین مبنا است که باقر انصاری حریم خصوصی را مقید به پنهان‌بودن مسئله می‌کند و معتقد است هر آنچه به خودی خود آشکار نیست و از دید دیگران پنهان باشد و برای تحصیل اطلاعات درباره آن بکوشند یا از ابزاری استفاده شود، جزء حریم خصوصی فرد قرار می‌گیرد (انصاری، ۱۳۸۶: ۲۳۲).

یکی دیگر از مصادیق جواز تصرف، مصلحت جامعه و حفظ نظام است. مهدی درگاهی به نقل از مشکینی می‌نویسد:

برای کسب اخبار و کشف برخی حقایق پنهان در جایی که مصلحت تجسس و تفحص از حریم خصوصی افراد، از مفسده آن مهم‌تر باشد، قانون «لزوم تقدیم اهم بر مهم» جاری است. در تزاخم میان حرام‌بودن تجسس و ورود به حریم خصوصی افراد و وجود مصلحت دیگر، معیار «اهم» بودن دلیل است (درگاهی، ۱۳۹۳: ۸۶).

لذا اگر مصلحت عمومی جامعه اقتضا کند که تصرفی در حریم خصوصی فرد یا افرادی صورت بگیرد، مسئولان انتظامی و اطلاعاتی کشور لاجرم ناگزیر به ترک حکم حفظ حریم خصوصی هستند. موسوی خمینی نیز در بند پنجم از فرمان هشت‌ماده‌ای درباره حقوق مردم، بر این مسئله با حکم حاکم شرع تأکید می‌کند.

با توجه به این روایات و تأکیدات فقها است که برخی حریم خصوصی را بخشی از زندگی انسان می‌دانند که به حکم عرف و قانون امکان هر گونه ورود به آن، و نظارت بر آن و کنترل اطلاعات راجع به آن را ممنوع دانسته‌اند، مگر اینکه قانون صریحاً جواز تصرف را داده باشد (عطازاده و دیگران، ۱۳۹۴: ۱۰۰).

۶. بررسی حریم خصوصی بودن یا نبودن خودروی شخصی

با توجه به سابقه کوتاه مفهوم «حریم خصوصی» در متون حقوقی دنیا، یکی از مواضع محل مناقشه و بحث درباره مفهوم و حدود «حریم خصوصی»، خودروی شخصی است. در این میان، حقوق دانان دیدگاه‌های متفاوتی دارند. اصطلاح «حریم خصوصی» در میان بزرگان فقهی نیز جدید است. با این حال همه فقها، به عنوان مفسران قرآن و روایات ائمه (علیهم‌السلام) در این باره نظر صریحی مطرح نکرده‌اند. لذا با تدقیق در مفاهیم «حریم» و «تصرف» که در متون دینی به آن اشاره شده است، باید مفهومی از «حریم خصوصی» را که در اسلام از آن حمایت شده است استنباط کنیم و سپس با خودروی شخصی تطبیق دهیم. «حریم» به مکانی اطلاق می‌شود که حمایت و دفاع از آن واجب است و کسی حق تعرض به آن را ندارد. از منظر فقهی نیز، «حریم» به معنای چیزی است که نزدیک شدن به آن برای غیرصاحبش ممنوع است.

«حریم خصوصی» در بین ملت‌ها مفهوم سیالی است و تعریف جامع و فراگیری از آن مطرح نشده است؛ اما می‌توان گفت حریم خصوصی حد مشخصی از زندگی هر شخص است که قانون یا عرف تعیین کرده و ورود دیگران به هر صورت به این حریم شخصی ممنوع است.

از سوی دیگر، در اصطلاح حقوقی، مال به دو نوع اموال منقول و غیرمنقول تقسیم می‌شود. اموال منقول اموالی است که امکان نقل و انتقال آنها از جایی به جای دیگر وجود دارد، بدون اینکه به خود مال یا محل استقرارش خللی وارد شود؛ اما امکان جابه‌جایی اموال غیرمنقول به محل دیگر وجود ندارد، چراکه در این صورت به خود مال یا محل استقرارش خلل وارد خواهد شد (جعفری لنگرودی، ۱۳۷۳: ۶۸). بنابراین، می‌توان گفت خودرو جزء اموال منقول محسوب می‌شود و احکام و خصوصیات مال نیز بر آن مترتب است.

همچنین، از منظر حقوقی، شخص یا اشخاصی که مالی را به صورت مشروع در اختیار دارند توانایی سلطه و اقتدار مادی در آن مال را، چه به صورت مستقیم و چه غیرمستقیم، دارند، اگرچه مالک آن مال هم نباشند (امامی، ۱۳۸۶: ۵۱). اما از منظر فقهی، فقها «تصرف» را به دو صورت معنا می‌کنند؛ ۱. هر نوع استفاده کاربردی؛ به این معنا که کار ارادی شخص که دارای اثر شرعی است و سودی از آن به لحاظ شرعی عاید شخص

می‌شود؛ ۲. هر نوع استعمال؛ این معنا عام‌تر است و شامل هر نوع استفاده، اعم از منفعت یا ضرر، می‌شود.

بنابراین، هم در تعریف «حریم خصوصی» به حدود قانونی و عرفی توجه شده و هم در تعبیر فقها و روایات و احادیث مرسله درباره «تصرف» و حدود و ثغور آن شروطی همچون ضرر نرساندن به همسایگان مال یا ملک مد نظر قرار گرفته است. لذا می‌توان گفت خودروی شخصی مال محسوب می‌شود و فرد امکان دخل و تصرف در آن را دارد؛ اما همین دخل و تصرف مشروط به استفاده کاربردی است و نمی‌تواند از حدود شرعی در آن عدول کند.

با این تفاسیر، صاحب خودروی شخصی نمی‌تواند به صرف ادعا به حریم خصوصی بودن وسیله نقلیه خود هر عملی، اعم از مباح یا منکر، در داخل خودرو انجام دهد؛ چراکه از نظر فقهی استفاده کاربردی از ملک به شرط ضرر نرسانیدن به دیگر افراد جامعه مجاز شمرده شده، و مبانی حقوقی نیز حدود و ثغور حریم خصوصی را منوط به تأیید عرف و قانون کرده است.

نتیجه

با توجه به آنچه گذشت، در اسلام اگرچه اصطلاح «حریم خصوصی» مستقیماً به کار نرفته، اما در آیات و روایات از حرمت افشای سر، حرمت سخن‌چینی، حرمت تصرف در مال غیر و حرمت استراق سمع و تجسس سخن به میان آمده است که توصیه‌های مذکور وجود حریم خصوصی را اثبات می‌کند. فرهنگ، اجتماع و اقتصاد کشورها و نیز گذر زمان و مبتلابه بودن مردم به حوزه‌های جدید در شکل‌دهی مفهوم «حریم خصوصی» تأثیرگذار است. علی‌رغم فقدان تعریف واحد از این مفهوم، می‌توان گفت حریم خصوصی حد مشخصی از زندگی هر شخص است که قانون یا عرف تعیین می‌کند و ورود دیگران به هر صورت به این حریم شخصی ممنوع است.

خودرو نیز حکم ملک را دارد. بنابراین، مالک خودروی شخصی یا کسی که اجازه مالک را دارد، مجاز به تصرف در مال خود است؛ اما تعریف حقوقی از «تصرف»، که از آن به «ید» نیز تعبیر می‌شود، با تعبیر فقهی از «تصرف» متفاوت است. غالب فقها، فقط تصرف کاربردی را مجاز می‌دانند و برخی خصوصیات در مال یا مالک یا نوع تصرف را

مانع تصرف مال برمی‌شمرند؛ مثلاً تصرفاتی که موجب اضرار همسایگان مال یا ملک می‌شود به سبب قاعده لاضرر و وجود احادیث در این خصوص منع شده است. همچنین، از مجموع روایات مربوط به مسئله حریم، استنباط می‌شود که رضایت فرد مجوزی برای افشای مسائل خصوصی او نیست؛ چراکه این مسئله ممکن است موجب اشاعه گناه باشد (جعفری، تقی‌خانی و عابدینی، ۱۳۸۹: ۱۱). لذا خود فرد نیز باید حریمش را حفظ کند و در ناشناس ماندن اطلاعات شخصی و محرمانه خود از دیگران بکوشد. با این تفاسیر می‌توان انتظار داشت که فرد حتی برای حفظ این حریم در خودروی شخصی مبادرت به مات‌کردن شیشه خودرو کند یا کارهایی انجام دهد که فضای خودرو را از دید عموم دور نگه می‌دارد.

اما نباید غافل شد که چون حریم خصوصی حدی از زندگی شخص است که قانون یا عرف تعیین می‌کند و محترم می‌شمرد، همین قانون می‌تواند و مجاز است که اگر حریم خصوصی کسی منحل امنیت و آسایش دیگری شود، آن را محدود کند. بنابراین، اگرچه خودروی شخصی خصوصیات ملک را دارد و حریم خصوصی بر آن صدق می‌کند، اما تمام حقوق و آزادی‌های اشخاص، مطلق و بدون قید و شرط نیست و آنچه از قانون یا عرف که حریم خصوصی را تصدیق می‌کند، همان نیز آن را محدود و مقید می‌کند.

پی‌نوشت‌ها

۱. «انَّ الَّذِينَ يُحِبُّونَ أَنْ تَشِيعَ الْفَاحِشَةُ فِي الَّذِينَ آمَنُوا لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَاللَّهُ يَعْلَمُ وَأَنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ» (نور: ۱۹).
۲. «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَدْخُلُوا بُيُوتًا غَيْرَ بُيُوتِكُمْ حَتَّى تَسْتَأْذِنُوا وَتَسَلِّمُوا عَلَى أَهْلِهَا ذَلِكَ خَيْرٌ لَكُمْ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ» * فَإِنْ لَمْ تَجِدُوا فِيهَا أَحَدًا فَلَا تَدْخُلُوهَا حَتَّى يُؤْذَنَ لَكُمْ وَإِنْ قِيلَ لَكُمْ ارْجِعُوا فَارْجِعُوا هُوَ أَزْكَى لَكُمْ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ عَلِيمٌ؛ آیه ۳۰ و ۳۱ سوره نور از ممنوعیت دیگری نیز سخن می‌گوید: «قُلْ لِلْمُؤْمِنِينَ يَعْضُوا مِنْ أَبْصَارِهِمْ وَيَحْفَظُوا فُرُوجَهُمْ ذَلِكَ أَزْكَى لَهُمْ إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ بِمَا يَصْنَعُونَ» * وَقُلْ لِلْمُؤْمِنَاتِ يَعْضْنَ مِنْ أَبْصَارِهِنَّ وَيَحْفَظْنَ فُرُوجَهُنَّ وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا» (نور: ۲۷-۲۸).

٣. «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اجْتَنِبُوا كَثِيرًا مِّنَ الظَّنِّ إِنَّ بَعْضَ الظَّنِّ إِثْمٌ وَلَا تَجَسَّسُوا وَلَا يَغْتَبَ بَعْضُكُم بَعْضًا»
(حجرات: ١١).

٤. «مَنْ أَطَّلَعَ فِي بَيْتِ جَارِهِ فَانظَرَ إِلَى عَوْرَةِ رَجُلٍ أَوْ شَعْرِ امْرَأَةٍ أَوْ شَيْءٍ مِنْ جَسَدِهَا كَانَ حَقِيقًا عَلَى اللَّهِ أَنْ يَدْخُلَهُ النَّارَ مَعَ الْمُنَافِقِينَ الَّذِينَ كَانُوا يَتَجَسَّسُونَ عَوْرَاتِ الْمُسْلِمِينَ فِي الدُّنْيَا وَلَمْ يَخْرُجْ مِنَ الدُّنْيَا حَتَّى يَفْضَحَهُ اللَّهُ وَيَبْدَى عَوْرَاتِهِ لِلنَّاطِرِينَ فِي الْآخِرَةِ».

٥. «مَنْ اسْتَمَعَ إِلَى حَدِيثِ قَوْمٍ وَهُمْ لَهُ كَارِهُونَ يَصَبُّ فِي أُذُنَيْهِ الْأَنْكَ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ قَالَ سُفْيَانُ الْأَنْكَ هُوَ الرَّصَاصُ».

٦. «هَلْ تَدْرُونَ مَا حَقُّ الْجَارِ ... لَا يَسْتَطِيلُ عَلَيْهِ فِي الْبِنَاءِ يَحْجُبُ عَنْهُ الرِّيحُ».

منابع

- ابن بابویه قمی، محمد بن علی (صدوق) (۱۴۰۳). *الخصال*. تصحیح: علی‌اکبر غفاری، قم: جامعه مدرسین.
- ابن بابویه قمی، محمد بن علی (صدوق) (۱۴۰۴). *من لا یحضره الفقیه*، تحقیق: علی‌اکبر غفاری، قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ج ۳.
- ابن بابویه قمی، محمد بن علی (صدوق) (۱۴۱۳). *من لا یحضره الفقیه*، قم: دفتر انتشارات اسلامی، ج ۴.
- ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۱۴). *لسان العرب*، بیروت: دار صادر، ج ۱.
- امامی، حسن (۱۳۸۶). *حقوق مانی*، تهران: انتشارات اسلامی، چاپ ششم.
- انصاری، باقر (۱۳۸۳). «حریم خصوصی و حمایت از آن در حقوق اسلامی تطبیقی و ایران»، در: *مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران*، ش ۶۶، ص ۱-۵۴.
- انصاری، باقر (۱۳۸۶). *حقوق حریم خصوصی*، تهران: سمت.
- انصاری، مرتضی (۱۴۱۱). *المکاسب*، قم: دار الذخائر، ج ۱.
- بخشایشی بایقوت، محرم؛ حیدری منور، حسین (۱۳۹۶). «حریم خصوصی در ایران و اسناد بین‌المللی»، در: *مطالعات بین‌المللی پلیس*، س ۷، ش ۲۹، ص ۲۰۷-۲۳۲.
- بگدلی، علی؛ علی‌اکبری بابوکانی، احسان (۱۳۹۶). «بررسی فقهی و حقوقی ورود دولت به حریم خصوصی»، در: *مطالعات حقوق بشر اسلامی*، س ۶، ش ۱۳، ص ۹-۳۱.
- بهجت، محمدتقی (۱۴۲۳). *وسیله النجاة*، قم: شفق.
- بهجت، محمدتقی (۱۴۲۸). *استفتائات*، قم: دفتر مؤلف، ج ۳.
- جعفری لنگرودی، محمدجعفر (۱۳۷۳). *حقوق اموال*، تهران: کتاب‌خانه گنج دانش، چاپ سوم.
- جعفری، علی؛ تقی‌خانی، علی؛ عابدینی، عظیم (۱۳۸۹). «مبانی روایی فرمان هشت ماده‌ای امام خمینی رحمته»، در: *کنگره ملی بررسی اندیشه‌های فرهنگی و اجتماعی حضرت امام خمینی رحمته*، کرج: جهاد دانشگاهی واحد البرز.
- جمشیدی، سمیه (۱۳۹۶). *حریم خصوصی: قلمرو، مصادیق و تحلیل مبانی فقهی آن از منظر فقه امامیه*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، استاد راهنما: حسین اسدپور، قم: حوزه علمیه قم.
- خاکی، مینو (۱۳۹۷). «حریم خصوصی از منظر فقه»، در: *مطالعات علوم اجتماعی*، دوره چهارم، ش ۲، ص ۶۸-۸۲.
- خامنه‌ای، سید علی (۱۳۸۹). *اجوبه الاستفتائات*، تهران: پیام عدالت، چاپ دهم.
- درگاهی، مهدی (۱۳۹۳). «حدود اختیارات دستگاه‌های اطلاعاتی در ورود به حریم خصوصی افراد از منظر فقه امامیه»، در: *کاوشی نو در فقه*، س ۲۱، ش ۴، ص ۷۷-۹۳.
- رحمدل منصور (۱۳۸۴). «حق انسان بر حریم خصوصی»، در: *مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران*، ش ۷، ص ۱۱۹-۱۴۶.

- شعیری، تاج‌الدین (۱۳۶۳). *جامع الاخبار*، قم: رضی.
- طبسی، نجم‌الدین (۱۳۹۳). *مبانی فقهی جاسوسی و ضد جاسوسی*، تهران: برگ فردوس.
- طوسی، محمدحسن (۱۳۸۸). *الامالی*، ترجمه: صادق حسن‌زاده، قم: اندیشه هادی.
- عطازاده، سعید؛ میرخلیلی، سید محمود؛ حاجی ده‌آبادی، محمدعلی؛ نجفی ابرنآبادی، علی‌حسین؛ شمس‌ناتری، محمدابراهیم (۱۳۹۴). «تجسس در حریم خصوصی مکانی اشخاص با رویکرد امنیت اخلاقی»، *در: پژوهش‌های اطلاعاتی و جنایی*، س ۱۰، ش ۴، ص ۹۱-۱۲۰.
- غروی تبریزی، علی (۱۴۱۸). *التفتیح فی شرح العروة الوثقی: تقریرات درس آیت‌الله خویی*، قم: دار الهادی للمطبوعات، ج ۲.
- فقال نیشابوری، محمد (۱۳۶۶). *روضه الواعظین*، ترجمه: مهدوی دامغانی، تهران: نی.
- فتحی، یونس؛ شاه‌مرادی، خیرالله (۱۳۹۶). «گستره و قلمرو حریم خصوصی در فضای مجازی»، *در: مجله حقوقی دادگستری*، س ۸۱، ش ۹۹، ص ۲۲۹-۲۵۲.
- کریمی‌نیا، محمدمهدی (۱۳۸۲). «حقوق، حق و اقسام حق»، *در: معرفت*، س ۱۲، ش ۷۰، ص ۸۲-۸۸.
- مشهدی، علی؛ محمدلو، سجاد (۱۳۹۵). «مطالعه تطبیقی مفهوم و معیار حق حریم خصوصی؛ رویکرد عرفی و فرهنگی»، *در: پژوهش‌های حقوق تطبیقی*، دوره ۲۰، ش ۲، ص ۱۲۵-۱۴۶.
- مظاهری، حسین (۱۳۹۲). *رساله توضیح المسائل*، اصفهان: مؤسسه فرهنگی مطالعاتی الزهرا.
- معلوف، لوئیس (۱۳۷۵). *المنجد فی اللغة والاعلام*، ترجمه: محمد بندرریگی، تهران: ایران.
- معین، محمد (۱۳۸۶). *فرهنگ فارسی*، تهران: امیرکبیر، چاپ دوم، ج ۱.
- مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۰). *القواعد الفقهية*، قم: مدرسه امام علی بن ابی طالب علیه السلام، ج ۲.
- مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۹۶). «سؤالی درباره خصوصی نبودن فضای داخل خودرو»، *در: نشریه بلیغ*، ش ۱۹، ص ۱۱.
- موسوی خمینی، روح‌الله (۱۳۸۴). *تحریر الوسيلة*، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ج ۱.
- ناصحی، عبدالمقیم (۱۳۹۵). «بازتاب تضمین و رعایت حریم خصوصی شهروندان در نظام شرع و قانون»، *در: حقوق عمومی عدالت*، س ۱، ش ۱، ص ۱۲۷-۱۴۹.
- نجفی جواهری، محمدحسن (۱۳۶۲). *جواهر الکلام فی شرح شرائع الاسلام*، بیروت: دار احیاء التراث العربی.

References

The Holy Qurān

- Anṣārī, Bāqir. 2004. “Ḥarīm-i Khuṣūṣī wa Ḥimāyat az Ān dar Ḥuqūq-i Islāmī Taṭbīqī wa Iran (Privacy and Its Protection in Comparative Islamic Law and Iran)”. In: *Majallih Dānishkadih Ḥuqūq wa ‘Ulūm Siyāsī-yi Dānishgāh (Tehran Journal of the Faculty of Law and Political Science Affiliated to University of Tehran)*, no.66, pp.1-54. [in Farsi]
- Anṣārī, Bāqir. 2007. *Ḥuqūq-i Ḥarīm-i Khusūsī (Privacy Rights)*, Tehran: Samt. [in Farsi]
- Anṣārī, Murtidā. 1990. *Al-Makāsib (Businesses)*, Qom: Dār al-Dhakhā’ir, vol.1. [in Arabic]
- ‘Aṭṭār-zādih, Sa‘īd; Mīrkhalīlī, Siyyid Maḥmūd; Ḥajī Dih Ābādī, Muḥammad ‘Alī; Najafī Abarnad Ābādī, ‘Alī Ḥusiyin; Shams Nātirī, Muḥammad Ibrāhīm. 2015. “Tajassus dar Ḥarīm-i Khuṣūṣī-yi Makānī-yi Ashkhāṣ bā Rūykard-i Amniyat-i Akhlāqī (Spying on the Spatial Privacy of Individuals with a Moral Security Approach)”. In: *Pazhūhish-hāyi Ittilā‘ātī wa Jināyī (Intelligence and Criminal Investigations)*, yr.10, no.4, pp.91-120. [in Farsi]
- Bahjat, Muḥammad Taqī. 2002. *Wasīlah al-Nijāh (The means of salvation)*, Qom: Shafaq.
- Bahjat, Muḥammad Taqī. 2007. *Istiftā‘āt (Inquiries)*, Qom: Author Office, vol.3.
- Bakhshāyishī Bāyqūt, Muḥarram; Ḥiydarī Munawwar, Ḥusiyin. 2017. “Ḥarīm-i Khuṣūṣī dar Iran wa Asnād-i Biyn al-Milalī (Privacy in Iran and International Documents)”. In: *Muṭālī‘āt-i Biyn al-Milalī-yi Police (International Police Studies)*, yr.7, no.29, pp.207-232. [in Farsi]
- Bigdilī, ‘Alī; ‘Alī Akbar Bābūkānī, Iḥsān. 2017. “Barrisī-yi Fiqhī wa Ḥuqūqī-yi Wurūd-i Dulat bi Ḥarīm-i Khuṣūṣī (Jurisprudential and Legal Study of Government Intrusion into Privacy)”. In: *Muṭālī‘āt-i Ḥuqūq-i Bashar-i Islāmī (Islamic Human Rights Studies)*, yr.6, no.13, pp.9-31. [in Farsi]
- Dargāhī, Maḥdī. 2014. “Ḥudūd-i Ikhtiyārāt-i Dastgāh-hāyi Ittilā‘ātī dar Wurūd bi Ḥarīm-i Khuṣūṣī-yi Afrād az Manzar-i Fiqh-i Imāmīyyih (Limits of the Powers of the Intelligence Services in Entering the Privacy of Individuals from the Perspective of Imami Jurisprudence)”. In: *Kāwushī Nu Dar Fiqh (New Exploration in Jurisprudence)*, yr.21, no.4, pp.77-93. [in Farsi]
- Fathī, Yūnus; Shāhmurādī, Khiyrollāh. 2017. “Gustarih wa Qalamru-yi Ḥarīm-i

- Khuṣūṣī dar Faḍāyi Majāzī (The Scope and Realm of Privacy in Cyberspace)". In: *Majjalih-yi Huqūqī Dādgustarī (The Legal Journal of the Court of Justice)*, yr.81, no.99, pp.229-252. [in Farsi]
- Fattāl Niyshābūrī, Muḥammad. 1987. *Ruḍah al-Wā'izīn (Garden of Preachers)*, Translated by Mahdawī Dāmghānī, Tehran: Niy. [in Farsi]
- Gharawī, Tabrīzī, 'Alī. 1997. *Al-Tanqīh fī Sharḥ al-'Urwah al-Wuthqā: Taqrīrāt-i Dars-i Ayatullāh Khu'ī (The Revision to Explanation of Al-'Urwah al-Wuthqā: The Transcriptions of Ayatullāh Khu'ī's Lecture)*, Qom: Dār al-Hādī lil Maṭbū'āt, vol.2. [in Arabic]
- Ibn Bābiwayh Qumī, Muḥammad ibn 'Alī (Ṣadūq). 1982. *Al-Khiṣāl (Traits)*, Corrected by 'Alī Akbar Ghaffārī, Qom: Teachers Association. [in Arabic]
- Ibn Bābiwayh Qumī, Muḥammad ibn 'Alī (Ṣadūq). 1983. *Man Lāyahḍuruh al-Faqīh (The One Who Doesn't Have Access to a Jurist)*, Researched by 'Alī Akbar Ghaffārī, Qom: Teachers Association, vol.3. [in Arabic]
- Ibn Bābiwayh Qumī, Muḥammad ibn 'Alī (Ṣadūq). 1992. *Man Lāyahḍuruh al-Faqīh (The One Who Doesn't Have Access to a Jurist)*, Qom: Islamic Publications Office, vol.4. [in Arabic]
- Ibn Maḥdūr, Muḥammad ibn Mukarram. 1993. *Lisān al-'Arab (Language of Arabs)*, Beirut: Dār Ṣādir, vol.1. [in Arabic]
- Imāmī, Ḥasan. 2007. *Huqūq-i Madanī (Civil Rights)*, Tehran: Islamic Publications, Sixth Edition. [in Farsi]
- Ja'farī Langirūdī, Muḥammad Ja'far. 1994. *Huqūq-i Amwāl (Property Rights)*, Tehran: Ganj-i Dānish Library, Third Edition. [in Farsi]
- Ja'farī, 'Alī; Taqīkhānī, 'Alī; 'Ābidīnī, 'Aẓīm. 2010. "Mabānī-yi Riwayī-yi Farmān-i Hasht Māddiyi Imām Khumiynī (Narrative Principles of Imam Khomeini's Eight-article Decree)". In: *Kungirih-yi Millī-yi Barrisī-yi Andīshi-hāyi Farhangī wa Ijtimā'ī-yi Ḥazrat-i Imām Khumiynī National (Congress for the Study of Imam Khomeini's Cultural and Social Thoughts)*, Karaj: Jahād University, Alborz Branch. [in Farsi]
- Jamshīdī, Sumayyih. 2017. "Privacy: *Ḥarīm-i Khuṣūṣī: Qalamru, Maṣādīq wa Tahlīl-i Mabānī-yi Fiqhī-yi Ān az Manẓar-i Fiqh-i Imāmīyyih (Territory, Examples and Analysis of Its Jurisprudential Principles from the Perspective of Imami Jurisprudence)*", Master's Thesis, Supervisor: Ḥusayn Asadpūr, Qom: Ḥuziyi 'Ilmiyyih, Qom Seminary. [in Farsi]

- Karīmī-nīyā, Muḥammad Maḥdī. 2003. “Ḥuqūq, Ḥaq wa Aqsām-i Ḥaq (Rights, rights and types of rights)”. In: *Ma‘rifat (Knowledge)*, yr.12, no.70, pp.82-88. [in Farsi]
- Khākī, Mīnū. 2018. “Ḥarīm-i Khuṣūṣī az Manzar-i Fiqh (Privacy from the Perspective of Jurisprudence)”. In: *Muṭālī‘āt-i Ijtīmā‘ī (Social Science Studies)*, yr.4, no.2, pp. 68-82. [in Farsi]
- Khāmīniyī, Siyyid ‘Alī. 2010. *Abjawah al-Istiftā‘āt (Reponses of Inquiries)*, Tehran: Payām ‘Idālat (The Message of Justice), Tenth Edition. [in Farsi]
- Makārim Shīrāzī, Nāṣir. 1991. *Al-Qawā‘id al-Fiqhīyah (Jurisprudential Principles)*, Qom: Imam ‘Alī ibn Abi-Ṭālib School. [in Arabic]
- Makārim Shīrāzī, Nāṣir. 2017. “Su‘ālī darbāri-yi Khuṣūṣī Nabūdan-i Faḍāyi Dākhl-i Khudrū (A Question about the Lack of Privacy inside the Car)”. In: *Nashrīyih-yi Balāgh*, no.19, p.11. [in Farsi]
- Ma‘lūf, Luwīs. 1996. *Al-Munjid fī al-Lughah wa al-A‘lām*, Translated by Muḥammad Bandar Riygī, Tehran: Iran. [in Farsi]
- Mashḥadī, ‘Alī; Muḥammadlū, Sajjād. 2016. “Muṭālī‘ih-yi Taṭbīqī-yi Mafhūm wa Mi‘yār-i Ḥaq-i Ḥarīm-i Khuṣūṣī; Rūkard-i ‘Urfī wa Farhangī (A Comparative Study of the Concept and Criteria of Privacy; Customary and Cultural Approach)”. In: *Pazhūhish-hāyi Ḥuqūq-i Taṭbīqī (Comparative Law Researches)*, yr.20, no.2, pp.125-146. [in Farsi]
- Mazāhirī, Ḥusīyn. 2013. *Risālih-yi Tuzīh al-Masā‘il (Explanation of Issues)*, Isfahan: Al-Zahrā Cultural Studies Institute. [in Arabic]
- Mu‘īn, Muḥammad. 2007. *Farhang-i Fārsī (Persian Dictionary)*, Tehran: Amīrkabīr, Second Edition, vol.1. [in Farsi]
- Mūsawī Khumiynī, Rūḥullāh. 2005. *Taḥrīr al-Wasīlah*, Tehran: Institute for Compilation and Publication of Imam Khumiynī’s Works, vol.1.
- Najafī Jawāhirī, Muḥammad Ḥasan. 1983. *Jawāhir al-Kalām fī Sharḥ Sharā‘i‘ al-Islām (The Jewel of the Words in the Explanation of Islamic Law)*, Beirut: Dār Iḥyā‘ al-Turāth al-‘Arabī. [in Arabic]
- Nāṣihī, ‘Abd al-Muqīm. 2016. “Bāztāb-i Taḍmīn wa Ru‘āyat-i Ḥarīm-i Khuṣūṣī-yi Shahrwandān dar Nizām-i Shar‘ wa Qānūn (Reflecting the Guarantee and Observance of Citizens' Privacy in the Sharia and Law System)”. In: *Ḥuqūq-i ‘Umūmī-yi ‘Idālat (Public Law of Justice)*, yr.1, no.1, pp.127-149. [in Farsi]

- Rahmdil, Mansūr. 2005. “Ḥaq-i Insān bar Ḥarīm-i Khuṣūṣī (Human Rights to Privacy)”. In: *Majallih-yi Dānishkadih-yi Ḥuqūq wa ‘Ulūm-i Sīyāsī-yi Dānishgāh-i Tehran (Journal of the Faculty of Law and Political Science Affiliated to University of Tehran)*, no.7, pp.119-146. [in Farsi]
- Sha‘īrī, Taj al-Dīn. 1984. *Jāmi‘ al-Akhbār (The Collection of Narrations)*, Qom: Raḡī. [in Arabic]
- Ṭabbasī, Najm al-Dīn. 2014. *Mabānī-yi Fiqhī-yi Jāsūsī wa Ḍidd-i Jāsūsī (Jurisprudential Principles of Espionage and Anti-Espionage)*, Tehran: Barg-i Firdus. [in Farsi]
- Ṭūsī, Muḥammad Ḥasan. 2009. *Al-‘Amālī*, Translated by Ṣādiq Ḥasan-zādiḥ, Qom: Andīshih-yi Hādī. [in Farsi]

<http://www.vajehyab.com>

<https://al-mirazimi.ir>